

چرنویل

از آخرالزمان هسته‌ای تا فروپاشی شوروی

نویسنده: سرهی پلوهی

مترجم: سید پوریا حسینی



سرشناسه: پلوخی، سرهی، ۱۹۵۷-م. Ploky, Serhii, 1957-
عنوان و نام پدیدآور: چرنوبیل: از آخرالزمان هسته‌ای تا فروپاشی شوروی / نویسنده
سرهی پلوخی؛ مترجم سیدپوریا حسینی؛ ویراستار مینو ابوذر جمهری.
مشخصات نشر: تهران: طرح نو، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۴۷۲ ص.: مصور، نقشه.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۹-۱۷۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: Chernobyl: the history of a nuclear catastrophe, [2018].

عنوان دیگر: از آخرالزمان هسته‌ای تا فروپاشی شوروی.

موضوع: حادثه هسته‌ای چرنوبیل، اوکراین، ۱۹۸۶م

Chernobyl Nuclear Accident, Chernobyl, Ukraine, 1986

نیروگاه‌های اتمی -- اوکراین -- چرنوبیل -- حوادث

Nuclear power plants -- Accidents -- Ukraine -- Chernobyl

انرژی اتمی -- جنبه‌های سیاسی

Nuclear energy -- Political aspects

شناسه افزوده: حسینی، سیدپوریا، ۱۳۷۱- مترجم

رده بندی کنگره: TK۱۳۶۲

رده بندی دیویی: ۶۶۳/۱۷۹۹۰۹۴۷۷۷

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۲۳۴۶۹

www.kelob.ir



عنوان: چرنوبیل / از آخرالزمان هسته‌ای تا فروپاشی شوروی

نویسنده: سرهی پلوخی | مترجم: سید پوریا حسینی

ویراستار: مینو ابوذر جمهری | ناشر: طرح نو | نوبت چاپ، سال انتشار: اول، ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۸۹-۱۷۹-۳ | طراح روی جلد: استودیو زاغ - یاسر عزآباد

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: نازنین نصیری | چاپخانه: الوان | شمارگان: ۵۰۰ نسخه

حق انتشار: همه حقوق محفوظ است



انتشارات طرح نو

میدان انقلاب - کارگر جنوبی - مقابل پاساژ مهستان - پلاک ۱۲۵۱ - واحد ۴

تلفکس ۶۶۴۸۳۷۶۳

صندوق پستی ۸۳۱۸۵-۱۳۱۴۹

Tarh_e_no@yahoo.com

سایت: www.tarh-e-no.ir

اینستاگرام: @tarhenopub

www.ketab.ir



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Chernobyl: The History of a Nuclear Catastrophe
by Serhii Plokyh.

New York: Basic Books, May 2018

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۶
بخش اول: افسنتین	۱۹
۱: کنگره.....	۲۰
۲: در مسیر چرنوبیل.....	۳۹
۳: نیروگاه.....	۵۹
بخش دوم: دوزخ	۷۹
۴: شب جمعه.....	۸۰
۵: انفجار.....	۹۷
۶: آتش.....	۱۱۱
۷: انکار.....	۱۲۷
بخش سوم: بر فراز آتشفشان	۱۴۹
۸: کمیته عالی.....	۱۵۰
۹: هجرت.....	۱۶۷
۱۰: مهار راکتور.....	۱۸۹
بخش چهارم: دشمن نامرئی	۲۰۵
۱۱: سکوت مرگ بار.....	۲۰۶

۲۲۵.....	۱۲: منطقه ممنوعه.....
۲۴۱.....	۱۳: سندرم چین.....
۲۵۷.....	۱۴: شمار قربانیان.....
۲۷۱.....	بخش پنجم: مکافات
۲۷۲.....	۱۵: مشاجره.....
۲۹۱.....	۱۶: تابوت سنگی.....
۳۱۱.....	۱۷: جنایت و مکافات.....
۳۲۷.....	بخش ششم: دوران جدید
۳۲۸.....	۱۸: محدودیت نویسندگان.....
۳۴۷.....	۱۹: انقلاب هسته‌ای.....
۳۶۷.....	۲۰: اتم مستقل.....
۳۸۳.....	۲۱: حفاظ جهانی.....
۳۹۹.....	سخن آخر.....
۴۱۴.....	سپاسگزاری.....
۴۱۵.....	درباره نویسندگانه.....
۴۱۶.....	یادداشتی بر آثار و سنجش تشعشع.....
۴۱۹.....	یادداشت‌ها.....

پیشگفتار

در سفرمان به چرنوبیل^۱ که روی نقشهٔ اوکراینی من «چرنوبیل»^۲ نگاشته شده، هشت نفریم: غیر از من، سه دانشجوی علوم و مهندسی اهل هنگ کنگ (گردشگران با تور روسیه و اروپای شرقی) و سه مرد و یک زن که از لهجه‌شان برمی‌آید اهل انگلیس باشند و همگی دههٔ سوم زندگی‌شان را سپری می‌کنند. طولی نمی‌کشد که متوجه می‌شوم مردها واقعاً انگلیسی هستند و زنی که آماندا نام دارد، با افتخار ایرلندی است. به‌خوبی باهم کنار می‌آیند.

چند هفته پیش، وقتی آماندا از همسر انگلیسی‌اش، استوارت، پرسید برای تعطیلات پیش‌رو چه برنامه‌ای دارد، همسرش پاسخ داد که قصد دارد از چرنوبیل بازدید کند. بدین ترتیب به‌همراه برادر استوارت و دوست خانوادگی‌شان به راه افتادند. دو بازی رایانه‌ای، الهام‌بخش این سفر بود: بازی *استالکر: سایهٔ چرنوبیل*^۳ که بازی‌ای با تم ترسناک، تیراندازی و بقاست، داستان در منطقهٔ ممنوعهٔ چرنوبیل^۴، پس از انفجار هسته‌ای ثانویه‌ای به وقوع می‌پیوندد که ساختگی است. در بازی *ندای وظیفه: جنگ‌آوری نوین*^۵ نقش اصلی داستان، کاپیتان جان پرایس^۶ به شهر متروکهٔ پریپات^۷ می‌رود تا رهبر ملی‌گرای افراطی روسیه را بکشد. استوارت و هم‌سفرانش تصمیم گرفتند خودشان این محل را ببینند.

ویتال، راهنمای اوکراینی سرزندهٔ ما، ابتدا ما را به منطقهٔ ممنوعهٔ ۳۰ کیلومتری و سپس به ناحیهٔ محدودتر ۱۰ کیلومتری می‌برد. دو دایره که یکی درون دیگری است و

1. Chernobyl

2. Chornobyl

3. S.T.A.L.K.E.R.: Shadow of Chernobyl

4. Chernobyl Exclusion Zone

5. Call of Duty: Modern Warfare

6. Jon Price

7. Prypiat



نیروگاه هسته‌ای سابق در مرکز آن‌ها قرار دارد. به ترتیب شعاعی ۳۰ کیلومتری (۱۸/۶ مایلی) و شعاعی ۱۰ کیلومتری (۶/۲ مایلی) را در بر می‌گیرند. می‌توانیم از رادار شوروی به نام دوگا^۱ یا طاق^۲ دیدن کنیم - پاسخی به «جنگ ستارگان»، طرح دفاع استراتژیک رونالد ریگان - که با استانداردهای امروزی، سامانه‌ای با فناوری پایین است. رادار را برای شناسایی حمله هسته‌ای احتمالی از ساحل شرقی ایالات متحد طراحی کرده بودند. از آنجا رهسپار شهر چرنوبیل، نیروگاه هسته‌ای این شهر و شهر مجاورش، پریپات شدید؛ شهر متروکه‌ای که روزگاری حدود ۵۰ هزار کارگر ساختمانی و متصدی نیروگاه مخروبه در آن زندگی می‌کردند. ویتا به ما پرتوسنج‌هایی می‌دهد که وقتی سطح تشعشع از حد مقرر فراتر می‌رود، بوق می‌زنند. دستگاه‌ها در برخی نواحی، از جمله نزدیک راکتور آسیب‌دیده، بی‌وقفه بیب‌بیب می‌کنند. سپس ویتا پرتوسنج‌ها را می‌گیرد و خاموش می‌کند. دقیقاً همان طوری که آن موقع، در سال ۱۹۸۶، کارگران شوروی را برای مقابله با پیامدهای فاجعه اعزام کردند. باید کارشان را می‌کردند و پرتوسنج‌ها میزان تشعشع غیرقابل قبولی را نشان می‌دادند. ویتا باید کار خودش را انجام دهد. می‌گوید در تمام روزمان در این ناحیه، به همان اندازه تشعشع دریافت خواهیم کرد که مسافران هواپیما در طول یک ساعت دریافت می‌کنند. به ضمانت او مبنی بر اینکه سطح تشعشعات خیلی غیرمعقول نیست، اعتماد می‌کنیم.

انفجار چرنوبیل روی هم‌رفته ۵۰ میلیون کوری^۳ تشعشع داشت؛ معادل ۵۰۰ بمب هیروشیما است. برای چنین بارش رادیواکتیو فاجعه‌باری، فقط نشتی کمتر از ۵ درصد از سوخت هسته‌ای راکتور لازم بود. راکتور در اصل بیش از ۲۵۰ پوند اورانیوم غنی‌شده را در بر گرفته بود که برای آلوده کردن و ویرانی بخش عمده اروپا کافی بود. از این گذشته، اگر سه راکتور دیگر نیروگاه چرنوبیل به واسطه انفجار راکتور اول آسیب می‌دیدند، تقریباً هیچ موجود زنده‌ای روی سیاره باقی نمی‌ماند. تا هفته‌ها پس از حادثه، دانشمندان و

1. Duga

2. Arch

۳. Curie؛ واحد سنجش رادیواکتیویته بر مبنای واباشی هسته‌ای در ثانیه که به افتخار ماری و پیر کوری نام گرفته است.

مهندسان نمی دانستند که آیا انفجار آتشفشان رادیواکتیو چرنوبیل، انفجارهای مرگبارتری به دنبال خواهد داشت یا نه؛ هرچند چنین اتفاقی نیفتاد اما خسارت ناشی از اولین انفجار قرن‌ها باقی خواهد ماند. نیمه عمر پلوتونیوم - ۲۳۹ که در انفجار چرنوبیل منتشر شد و باد آن را با خود تا سوئد برد، حدود ۲۴ هزار سال است.

گاهی از برییات به عنوان پمپی^۱ امروزی یاد می کنند. شباهت‌های آشکاری بین دو محل وجود دارد، اما تفاوت‌هایی هم هست، حتی اگر به این دلیل باشد که دیوارها، سقف‌ها و در برخی موارد شیشه پنجره‌های شهر اوکراینی اساساً صحیح و سالم‌اند. حرارت یا گدازه آتشفشان نبود که جان‌ها را گرفت و به زندگی در آنجا پایان داد، بلکه ذره‌های نامرئی تشعشع بود که ساکنان را بیرون راند، اما به بخش عمده زندگی گیاهی آسیبی نزد و به حیوانات وحشی اجازه داد بازگردند و فضایی را که زمایی انسان‌ها ساخته و در آن ساکن بودند، پس بگیرند. نشانه‌های بی‌شماری از گذشته کمونیستی^۲ که مدت‌هاست از میان رفته، در خیابان‌های شهر وجود دارد. شعارهای دوره کمونیسم هنوز آنجاست، پرتله‌ای از رهبر کمونیست نیز در سینمایی متروکه وجود دارد. راهضای ما، ویتا، می‌گوید اکنون هیچ کس نمی‌تواند بفهمد تصویر چه کسی است، اما از دورانی که به عنوان مدرس جوان دانشگاه در زمان فاجعه در اوکراین سپری کردم، چهره آشنایی را تشخیص می‌دهم؛ نقاشی مربوط به ویکتور چبریکوف^۳ است که از سال ۱۹۸۲ تا سال ۱۹۸۸ میلادی رئیس کاگ‌ب^۴ بود. نقاشی به‌طور معجزه‌آسایی طی سی

۱. Pompeii؛ شهری است باستانی واقع در کومونه پُمپِی در نزدیکی شهر امروزی ناپل (Napoli) در ناحیه کامپانیای (Campania) ایتالیا. آنجا آثاری از مردم و بناهای ویرانه دیده می‌شود که بر اثر فوران آتشفشان در کوه وزوویوس (Vesuvius)، زیر ۴ تا ۶ متر خاکستر آتشفشانی و خاک مدفون شده‌اند. این اتفاق در سال ۷۹ پس از میلاد رخ داده است.

۲. Communist؛ جامعه‌ای مبنی بر کمونیسم یا مرام اشتراکی، یعنی ایدئولوژی و جنبش فلسفی، سیاسی، اقتصادی و هدف نهایی‌اش ایجاد جامعه‌ای با لغو مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و حذف طبقات اجتماعی، پول و دولت است.

3. Viktor Chebrikov

۴. دستگاه جاسوسی و پلیس مخفی شوروی سابق

سال گذشته دوام آورده و جز سوراخ کوچکی نزدیک بینی چبریکوف، آسیب ندیده است. تصویر از جهات دیگر کاملاً خوب است. ادامه می‌دهیم.

با خودم فکر می‌کنم عجیب است ویتا که راهنمای گردشگری معرکه‌ای است، چبریکوف را نمی‌شناسد. همچنین به نظر می‌رسد از توضیح علائم آویزان «گوشت»، «شیر» و «پنیر» از آنچه روزی سقف یک سوپرمارکت متروکه دوران شوروی بوده، درمانده است. می‌پرسد: «چطور ممکن است در اتحاد جماهیر شوروی که تقریباً همه چیز قحط بود، این را نوشته باشند؟» توضیح می‌دهم که پریپات به خاطر نیروگاه هسته‌ای، از جهات بسیاری ممتاز بود و کارگران را از لحاظ تولیدات کشاورزی و کالاهای مصرفی، بهتر از عموم مردم تأمین می‌کردند. به علاوه، وجود تابلوهای «گوشت» یا «پنیر»، به معنای دسترسی واقعی به آن محصولات نبوده است. هرچه باشد اتحاد جماهیر شوروی بود، جایی که تنها لطفیه‌ها شکاف بین واقعیت و تصویر ساخته و پرداخته تبلیغات دولت را پر می‌کرد. یکی از آن‌ها را بازگو می‌کنم: «اگر می‌خواهی یخچالت را پر از غذا کنی، آن را به پریرز رادیو بزن.» رادیو، قصه استانداردهای همواره روبه پیشرفت زندگی را نقل می‌کرد؛ یخچال خالی گویای حقیقت دیگری بود.

در سفرم به پریپات به این نتیجه رسیدم که باید حماسه چرنوبیل را نقل کنم: به خاطر کسانی که در آن زمان آنجا نبودند، اما می‌خواستند وقایع شب شوم ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ و روزها، ماه‌ها و سال‌های پس از آن را بدانند و درک کنند. به رغم تلاش‌های اولیه دولت شوروی برای پنهان کردن فاجعه چرنوبیل و کم‌اهمیت جلوه دادن پیامدهایش، این اتفاق در اتحاد جماهیر شوروی و در غرب مشهور شد و توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرد، از گزارش‌های مطبوعاتی آغاز شد که در روزهای نخست پس از انفجار می‌دادند و به فیلم‌های مستند، فیلم‌های سینمایی، بررسی‌های علمی و رمان‌ها ختم شد. گرچه کلید فهم علل، پیامدها و درس‌های فاجعه در زمینه‌یابی و تفسیر تاریخی است، تا امروز مورخان معدودی این موضوع را عنوان کرده‌اند.

این کتابی درباره یک واقعه تاریخی است - در واقع نخستین تاریخ جامع فاجعه چرنوبیل از زمان انفجار راکتور هسته‌ای تا بستن نیروگاه در دسامبر سال

۲۰۰۰ و مراحل نهایی تکمیل حفاظ ایمنی جدید روی راکتور آسیب‌دیده در می ۲۰۱۸ است. هنگامی که پژوهشم را در باب تاریخ چرنوبیل آغاز کردم، افتتاح اخیر مجموعه‌های بایگانی‌شده مرتبط با سانحه که پیش‌تر بسته بودند، به‌غایت به من کمک کرد. بسیاری از بایگانی‌های دولتی درهایشان را بیش‌ازپیش گشوده‌اند و موجب سهولت رجوع به سندهایی شده‌اند که حزب کمونیست و سازمان‌های دولتی در آن زمان و در اثر فاجعه منتشر کردند. قیام میدان^۱ و انقلاب منزلت و کرامت^۲ سال ۲۰۱۴ در اوکراین نیز تحولی در بایگانی‌ها ایجاد کرد که دسترسی بی‌سابقه به پرونده‌هایی را ممکن ساخت که کاغذ از قبل بسته بود.

این کتاب را هم به‌عنوان مورخ و هم به‌عنوان هم‌دوره با وقایع مطرح‌شده می‌نوشتم. در زمان انفجار، در اوکراین، پایین‌دست رودخانه دنیپر^۳، در فاصله‌ای کمتر از ۵۰۰ کیلومتر از راکتور آسیب‌دیده زندگی می‌کردم. من و خانواده‌ام مستقیماً تحت تأثیر این مصیبت قرار نگرفتیم؛ اما چند سال بعد که در کانادا استاد مهمان بودم، پزشکان به من گفتند تیروئیدم در زمان نامعلومی ملتهب شده که نشانه نگران‌کننده‌ای از قرار گرفتن در معرض تشعشع است. خوشبختانه، حال همسر و فرزندانم خوب بود؛ اما تشعشع به‌صورتی غیرقابل پیش‌بینی عمل می‌کند: چند روز پس از حادثه، یکی از هم‌کلاسی‌های سابق دانشگاهم را که مأمور پلیس بود، به چرنوبیل فرستادند؛ هنوز هم دست‌کم یک ماه از سال را در بیمارستان سپری می‌کند. حال یکی دیگر از همکاران دانشگاهی‌ام که پس از انفجار نزدیک نیروگاه بوده است، خوب به‌نظر می‌رسد و اکنون در ایالات متحد تاریخ شوروی تدریس می‌کند. صحبت با آن‌ها و دیگر کسانی که درگیر این وقایع بوده‌اند و یادآوری خاطرات خودم از این فاجعه، کمک کرد یاد و خاطره آن‌هایی را زنده کنم که سلامتی یا حتی جانشان را فدا کرده بودند تا پیامدهای فروریزی چرنوبیل را به حداقل برسانند.

هرچه از زمان فاجعه می‌گذرد، بیشتر شبیه به افسانه به‌نظر می‌رسد و فهم ریشه‌ها و پیامدهای واقعی آن دشوارتر می‌شود. با قرار دادن فاجعه در بستر تاریخی،

1. Maidan Uprising
2. Revolution of Dignity
3. Dnieper